

سناریوهای مخوف در لیبی

سونامی قیام مردمی در جهان عرب این بار به لیبی رسیده و گریبان دیکتاتوری را گرفته که خود نیز با کودتا روی کار آمده و سال‌ها قدرت را در این کشور قبضه کرده است.



جام جم آنلاین: سونامی قیام مردمی در جهان عرب این بار به لیبی رسیده و گریبان دیکتاتوری را گرفته که خود نیز با کودتا روی کار آمده و سال‌ها قدرت را در این کشور قبضه کرده است. در حالی که گمانه‌زنی‌ها درباره‌ی سقوط سومین حکومت دیکتاتور جهان عرب متوجه یمن و حتی بحرین بود، به نظر می‌رسد با خط و مشی کنونی حکومت معمر قذافی، قرع این بار به نام لیبی رقم بخورد. به گزارش ایسنا، عبدالباری عطوان، مدیر مسئول روزنامه فرامنطقه‌ای القدس العربی در تحلیلی تحت عنوان "سناریوهای مخوف در لیبی" می‌نویسد:

171«؛ هیچ کس نمی‌داند دقیقاً در لیبی چه می‌گذرد. تلویزیون این کشور نیز تنها اخباری از تظاهرات چند هزار نفری طرفداران معمر قذافی، رهبر این کشور در طرابلس پخش کرده است که کاملاً پیچیده و مبهم به نظر می‌رسد. حکومت لیبی اینترنت و فیس بوک را قطع کرده و هیچ خبرنگار خارجی در این کشور فعالیت ندارد و آنچه که خبرگزاری‌های جهان گزارش می‌کنند، اکثراً از بطن نظام است.

این بدان معنا نیست که وضعیت لیبی پیش از انتفاضه‌ی فعلی که اکثر مناطق و شهرهای این کشور را فراگرفته بهتر بود. وضعیت لیبی شبیه جمهوری انور خوجه در آلبانی پیش از فروپاشی سازمان سوسیالیست‌های بین‌المللی است. با یک فرق اساسی و آن این که رهبر لیبی بر ثروتی بیش از 200 میلیارد دلار درآمد نفتی و 50 میلیارد دلار بودجه‌ای که سالانه وارد خزانه‌ی این کشور می‌شود، نشسته است.

انتفاضه‌ی کنونی در لیبی به عوامل اقتصادی باز نمی‌گردد بلکه به عوامل سیاسی باز می‌گردد. جوانان زیر 25 سال لیبی که 52 درصد از ساکنان این کشور را تشکیل می‌دهند، پذیرای خواری و ذلتی که پدران آنها طی 40 سال گذشته متحمل شده‌اند، نیستند بلکه تغییرات ریشه‌ای در لیبی را برای رسیدن به عدالت اجتماعی، تغییرات دموکراتیک و تقسیم ثروت کشور بر اساس اصل برابری خواستارند.

دایره انتفاضه‌ی لیبی گسترده‌تر می‌شود و شهرها و مناطق مختلف خارج از منطقه‌ی شرق این کشور را در بر می‌گیرد و به غرب و جنوب این کشور نیز کشیده شده است.

تظاهرکنندگان تغییر نظام و ریشه‌کنی آن را خواستارند و نظام نیز ریشه‌کنی انتفاضه را. به همین دلیل آمار کشته و زخمی‌های این انتفاضه به شکلی وحشتناک افزایش می‌یابد.

نیروهای وابسته به حکومت برای سرکوب تظاهرکنندگان از توپ و تانک استفاده کرده‌اند. تاکنون حدود صدها تن در جریان اعتراضات لیبی کشته و هزاران تن زخمی شده‌اند. حکومت لیبی از تونس و مصر درس گرفته و معتقد است که تردید نظام‌های حاکم این دو کشور در سرکوب خونبار تظاهرکنندگان موجب فروپاشی آنها شده است، به همین دلیل هرچه را که داشته برای سرکوب انتفاضه مردمی به کار گرفته است.

قیام‌کنندگان لیبیایی نیز از هم‌تاهای خود در تونس و مصر آموخته‌اند که به اعتراضات خود ادامه داده و در میانه‌ی راه آن را رها نکنند تا زمانی که خواسته‌هایشان را برای تغییر نظام به طور کامل محقق سازند، لذا ما باید منتظر جنایات بیشتر و افزایش آمار کشته و زخمی‌ها باشیم.

بسیار دردناک است که بیمارستان‌های لیبی نیز همانند دیگر بخش‌های خدماتی این کشور به دلیل بی‌توجهی نظام، وضعیتی بسیار نامناسب دارند.

رهبر لیبی فردی سرکش و لجوج است و انتظار نمی‌رود که به راحتی تن به خواسته‌های قیام‌کنندگان بدهد. وی حتی خواسته‌های اعضای شورای فرماندهی انقلاب را نیز نپذیرفته و با شدت با مخالفان برخورد کرده است.

انقلاب‌های مصر و تونس به این دلیل پیروز شد که جامعه‌ی این دو کشور جامعه‌ی مدنی غیرقبیله‌ای بود، اما لیبی همانند یمن جامعه‌ای قبیله‌ای دارد و عامل قبیله‌ای نقش بزرگی را در پیروزی و یا شکست انقلاب و بقاء و یا فروپاشی نظام در این کشور ایفا می‌کند.

عامل دیگری را که باید به آن افزود، نبود يك ارتش قدرتمند همانند ارتش مصر و تونس در لیبی است. رهبر لیبی از ارتش می‌ترسد و به آن اعتماد ندارد و آن را خطری برای حکومتش می‌داند، به همین دلیل تصمیم به منحل نمودن آن تحت عنوان "ملت مسلح" به عنوان جایگزینی برای ارتش گرفت. این مساله به دومین تلاش برای کودتا توسط عمر عبدالله المحیشی، عضو شورای فرماندهی انقلاب باز می‌گردد که پس از آن که حسن دوم، پادشاه مراکش وی را تحویل داد، اعدام شد.

البته این بدان معنا نیست که بقایای ارتش در لیبی حضور ندارند، اما آنها ضعیف هستند و بعید به نظر می‌رسد که بتوانند نقش بزرگی را در این میان ایفا کنند و اقدام رهبر لیبی که به شبه‌نظامیان و نیروهای امنیتی ویژه‌اش پناه آورده این مساله را تأیید می‌کند.

دوستان حکومت لیبی در جهان عرب کم هستند و دوستان جدید آن در غرب نیز هنوز رابطه قدرتمندی با این حکومت ایجاد نکرده‌اند، لذا پیش‌بینی کمک قوی از شرق، غرب و شمال به لیبی سخت به نظر می‌رسد. حتی بعید نیست که عکس این مساله اتفاق بیفتد و در صورت افزایش کشته و زخمی‌ها، سناریوی دارفور در لیبی تکرار شود و شورای امنیت با قطعنامه‌ای تحت عنوان حمایت از بی‌گناهان مداخله کرده و وارد عمل شود.

در این میان حکومت لیبی هر نوع ابزاری را که در اختیار داشته اعم از امنیتی و تبلیغاتی به کار گرفته است. این در حالی است که اخباری نیز مبنی بر احتمال ایجاد امارت اسلامی در شرق لیبی پس از سیطره تظاهرکنندگان بر این منطقه منتشر شده که یکی از عوامل نگرانی غرب از جنبش اعتراض‌آمیز رو به گسترش در لیبی به شمار می‌رود.

از بدشانسی نظام حاکم لیبی، غرب توانایی نجات هم‌پیمانان دیکتاتورش را در مقابل قیام‌های مردمی ندارد. آیا این غربی که از هم‌پیمان بزرگش حسنی مبارک با وجود خدمت‌های گسترده وی به اسرائیل و آمریکا عقب‌نشینی کرد، به معمر قذافی و نظام حاکمش متعهد خواهد بود؟

انتفاضه در لیبی هرگز متوقف نمی‌شود. همانطور که تلاش حکومت برای سرکوب آن نیز متوقف نخواهد شد، لذا ما باید با کمال تأسف منتظر به وجود آمدن حمام خون بیشتر در لیبی باشیم و به نظر می‌رسد که این کشور با سه گزینه روبه رو است:

۱- نظام حاکم لیبی داوطلبانه کناره‌گیری کند.

۲- لیبی به دو یا سه کشور تقسیم شود و نظام فعلی در یکی از آنها باقی بماند.

۳- انتفاضه به مناطق مختلف کشور گسترش یابد و نظام حاکم و خانواده‌ی حکومتی را وادار به فرار به یکی از کشورهای آفریقایی به دلیل ترس از محاکمه و پیگرد کند.

۴ - پیروزی انتفاضه لیبی و بقاء کشور یکپارچه لیبی که به نظر عملی‌تر به نظر می‌رسد.»